

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ • ۱۸ رمضان ۱۴۴۲ • ۱ می ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۹۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۰:۲۰

اذان صبح فردا ۴:۳۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا



با فرآگیرشدن ویروس کرونا، بازار کاب کارگران روزمزد کساد شده و آنها روزها و شاید هفته‌ها بی‌کارند. عکس: علی حدادی،اصل، آنا

زنان

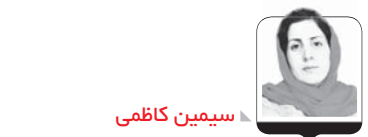
جوانی جمعیت با اعمال محدودیت و کنترل

تشخیصی پیشرفته‌تر نباشند و اقدام به سقط جنین کنند یا اینکه جنین‌شان به علت عوارض روش‌های تشخیصی سقط شود. این استدلال در حالی است که میزان کل سقط‌های عارضه‌ای به دنبال آمنیوسنتز CVS که کمتر از صد مورد در سال است و راه‌کار معقول و مناسب به جای حذف برنامه غربالگری سطح یک، می‌توانست زیر پوشش بیمه بردن و دسترس‌پذیرکردن تست‌های تشخیصی پیشرفته باشد.

طراحان جوانی جمعیت به جای آنکه به فکر باشند برنامه غربالگری بارداری را که به پیشگیری از نوزادان مبتلا به معلولیت و رنج‌ها و هزینه‌های بعدی کمک می‌کند، توسعه دهند و آن را فرایگر، ارزان و قابل دسترس کنند، نقشه حذف‌شان را کشیده‌اند که درواقع مصادق بی‌اعتنایی به سلامت نسل آینده است.

در طرح جوانی جمعیت، توصیه به تشخیص ناهنجاری جنین از شمول مراقبت‌های سطح یک خارج شده و به درخواست والدین و تجویز متخصص واکدار شده است. مشخص نیست چگونه خانواده باید تشخیص دهد که غربالگری ناهنجاری جنینی لازم است یا نه و بر اساس چه منطقی درخواست والدین به توصیه پزشکان و ماماهای مراکز بهداشت (که بر اساس دستورالعمل‌های وزارت بهداشت انجام می‌شود) ارجحتی دارد؟ همچنین تاکید شده که ارجاع‌ندان مداران برای تشخیص ناهنجاری‌های جنینی تخلف شمرده نمی‌شود، ولی اگر ارجاع برای غربالگری به حدوث سقط منجر شود، پزشک متخلف شناخته می‌شود. درواقع نتیجه چنین تبصره‌ای صرفا این است که پزشکان مراکز بهداشت در امر توصیه به تشخیص ناهنجاری‌های جنینی مداخله نکنند و خود را به دردسر نیندازند.

در این طرح و مواد و تبصره‌هایش، مراقبت‌های بهداشتی رایگان و ارزان در سطح اول مراقبت که بعد از انقلاب موجب ارتقای شاخص‌های بهداشتی کشور در حفظ سلامت مادر و نوزاد شده، نادیده گرفته شده و در شرایطی که دسترسی روزانه و همیشگی و ارزان به متخصصان برای زنان تهیدست و بخش بزرگی از طبقه متوسط و مناطق محروم و روستایی امکان‌پذیر نیست، تخصصی‌کردن آزمایش‌های غربالگری در واقع به معنی از دسترس



سیمین کاظمی

مشکل اصلی طرح جوانی جمعیت که با هدف افزایش جمعیت تدوین شده، فقدان ارزیابی درست و علمی از کاهش نرخ باروری کل در کشور و علل کاهش جمعیت است. درواقع در این طرح عوامل ساختاری که موجب کاهش رشد جمعیت می‌شوند، فروگذاشته شده و بنای آن بر این است که با ورود و مداخله مستقیم در حوزه خصوصی، افزایش جمعیت به هر شکل ممکن به جامعه تحمیل شود. رویکرد اقتدارگرایانه مدافعان افزایش جمعیت، به‌ویژه در محدودکردن تصمیمات و انتخاب‌های فردی مرتبط با بارداری مشهود است. از جمله اینکه در طرح جوانی جمعیت مفهوم «بارداری ناخواسته» به‌عنوان یک واقعیت عینی نادیده گرفته شده و حتی کاربرد آن در شبکه‌های بهداشت ممنوع شده (ماده ۴۸) و طراحان چشم بر این واقعیت فروبسته‌اند که برخی بارداری‌ها ممکن است به‌طور ناخواسته، قصدشده یا برنامه‌ریزی‌نشده رخ بدهند؛

چه زوجین در رابطه ازدواج باشد و چه در خارج از چارچوب ازدواج. و نیز اینکه بارداری ناخواسته به‌دلیل تبعاتی که برای والدین، فرزند و جامعه دارد، ضرورت پیشگیری را ایجاب می‌کند که والدین مجبور نشوند در مورد سقط جنین تصمیم‌گیری کنند و مشکلات آن را به جان بخرند. اما آرزومندان جوانی جمعیت، بی‌اعتنا به چنین ضرورتی، نه‌تنها واکتومی و توبکتومی بلکه دسترسی به وسایل پیشگیری از بارداری را ممنوع کرده و از این فرائز رفته و وزارت بهداشت را مکلف کرده‌اند که آموزش خود را بر عوارض روش‌های پیشگیری از بارداری متمرکز کند. علاوه بر این، از آنجا که گویا تنها هدف این طرح افزایش تعداد مولید به هر شکلی است، برنامه وزارت بهداشت برای غربالگری ناهنجاری‌های کروموزومی در مراقبت بارداری سطح اول در مراکز بهداشت حذف و به تصمیم والدین و تجویز متخصص واکدار شده است؛ آن‌هم ظاهرا با این استدلال که ممکن است زنانی که در مراقبت‌های سطح اول، جنین‌شان ازنظر ناهنجاری مثبت یا پرخطر ارزیابی شده قادر به انجام روش‌های

خبر

۲ خبرنگار اسپانیایی در بورکینافاسو به قتل رسیدند

یورونیوز، دو خبرنگار اسپانیایی و یک شهروند ایرلندی در بورکینافاسو به قتل رسیدند. مقام‌های محلی روز گذشته خبر قتل این سه شهروند اروپایی را تأیید کردند و گفتند این سه نفر در جریان حمله یک گروه تروریستی در شرق این کشور به قتل رسیده‌اند. این افراد که در حال تهیه مستندی درباره شکار غیرقانونی و قاچاق در آفریقا بودند، روز دوشنبه در حالی که تیمی از زیست‌بانان بورکینافاسویی را همراهی می‌کردند، از سوی یک گروه جهادی مورد حمله قرار گرفتند. در تیراندازی مهاجمان، چندین نفر از این افراد مجروح شدند. اعضای گروه جهادی سپس سه مرد اروپایی و یک تبعه بورکینافاسو همراه آنان را با خود برده و به قتل رساندند. جوزپ بورر، رئیس کمیسیون اروپا در واکنش به خبر قتل این خبرنگاران نوشت: «ترویست‌ها با کشتن خبرنگاران در بورکینافاسو دیگربار سیمای جانی و بزدل خود را نشان دادند؛ سیمایی حامی تاریکی که هر آزادی بیان و سخن را نابود می‌کند». پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا نیز ضمن ابراز همدردی با بازماندگان «داوید بریانی» و «وربرتو فرالیه» در پیامی از تمامی خبرنگارانی که این دو نفر، حرفه خود را به شکلی اصولی و شجاعانه در مناطق پرستیزه دنبال می‌کنند، تقدیر کرد. همچنین وزارت خارجه ایرلند

ادامه از صفحه اول

کار، کارگر و کرونا

پی درپی شدند که مردم ایران به‌ویژه کارگران و فرودستان جامعه از جمله معلم‌ها که فردا روز آنها هم هست، لطمات فراوانی را می‌بینند. هر روز این اظهارات که پیک چندم بیماری این تعداد تلفات دارد، شنیده می‌شود. فقدان برنامه درستی برای مبارزه با کرونا و نبود مدیریت برای کنترل و به‌ویژه واکسیناسیون بزرگ‌ترین خطری است که طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمت‌کش جامعه را هدف قرار داده است.

انتشار اعلامیه ۱۵ تشکل کارگران و معلمان و تهدیدهایی که در وضعیت اقتصادی کنونی آنان را رنج می‌دهد، برای حاکمیت بسیار بیشتر از خطرات انتشار فایل صوتی وزیر است. در شرایطی که دریافتی‌های کارگران بابت مزد و درآمد آنان به یک‌هشتم سال ۱۳۹۶ رسیده است و روزی نیست که خبر اختلاس میلیاردها تومان سرمایه و کم‌شدن میلیون‌ها تن فولاد و سایر کالا شنیده نشود، هنوز نه دولت اعتدال و نه دولت‌های پیشین هیچ تدبیری برای چاره‌جویی کارگران نیندیشیده‌اند و هنوز شش‌وشش می‌کنند که چند هزار تومان به حق مسکن کارکنان اضافه شود. با این وضعیت می‌توان گفت که امروز روز کارگر است؟

چهره هفته «شرق»

نماینده مخالف ظریف «چهره هفته» شد

هفته انتخاب شد. محمود احمدی‌یغیض هفته گذشته در گفت‌وگو با خانه ملت، در واکنش به انتشار فایل هفت‌ساعته‌ای که سه ساعت آن از شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای منتشر شد. بعد از آن بود که موجهی از واکنش‌ها در ایران درباره این مصاحبه ایجاد شد؛ از تشکیل پرونده قضائی تا دستور رئیس‌جمهور برای پیداکردن مسئولان سرقت این فایل صوتی تا کناررفتن حسام‌الدین آشنا، در جبهه مخالفان دولت منت و واکنش‌ها فراوان بود؛ برخی از تلاش‌ها برای استیضاح وزیر امور خارجه که در سلسله سفرهای منطقه‌ای به سر می‌برد، سخن می‌گویند و دیگران هم به او به‌خاطر صحبت‌هایش درباره سردار قاسم سلیمانی، مسئله روسیه و نقش سپاه تاخته‌اند. در این میان محمود احمدی‌یغیض، نماینده مردم شازند در مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه‌ای با خانه ملت، محمدجواد ظریف را خود کاندید دانست. این اظهارنظر در میان مجموعه واکنش‌ها به فایل صوتی ظریف، کاندیدای چهره هفته «شرق» شد و در پایان نظرسنجی در اینستاگرام هم‌به‌عنوان چهره



shargh.newspaper

طب و جامعه

یادداشتی بر فیلم پدر، فراموشی و دلشوره‌های بی‌پایانش

محمدعلی آرامی . متخصص مغز و اعصاب

فیلم پدر (فلوریان زلر، ۲۰۲۰) با بازی درخشان «سر آنتونی هاپکینز» و با فیلم‌نامه‌ای دقیق، بازیگری هنرمندانه و کارگردانی سنجیده و دقیقش بیننده را به دنیای ذهنی یک بیمار آلزایمری می‌برد. مکانی ناسامان که توالی زمانی و موقعیت‌های कहانی آن برهم ریخته شده و درک واقعیت با هجوم افسارگسیخته و بی‌نظم خاطرات دور و نزدیک امکان‌پذیر نیست. فراموشی به تنهایی شاید چندان امر مشکل‌سازی نباشد، آن هم برای فردی که عملا از فعالیت‌های شخصی نیازمند حافظه‌های سالم و حضور در اجتماعات فاصله گرفته است. اما بیماری آلزایمر تنها فراموشی نیست. از دست‌دادن توان محاسبه و پول خرج‌کردن یا فراموش‌کردن شماره تلفن فرزندان را می‌توان چاره‌ای کرد. حتی کم‌کردن آدرس منزل و نشاخن چهره افراد را نیز تحمل‌کردن چندان دشوار نیست. آنچه فرد آلزایمری را دچار وحشت و اضطراب می‌کند، توهم‌های مداومی است که بی‌پوسته تغییر می‌کنند و او را برای کنشی متناسب و ابراز احساسات لذت‌بخش گیج و مردد می‌کند. بر اساس توهمات و حافظه ضعیف و هجوم خاطرات است که هیان‌ها سر برمی‌آورند. ساختن چنین فیلم‌های استنادانه‌ای گذشته از ارزش‌های هنری آن، به جهت کمک به درک درست وضعیت ذهنی آتفته سالنمدان مبتلا به آلزایمر و تبعات آن ارزشمند است. این فیلم به ما و پرستاران و خانواده‌ها یاد می‌دهد که آلزایمر فقط فراموشی نیست، اضطرابی بی‌امان، پریشانی و درماندگی است و همان‌گونه که در پایان فیلم می‌بینیم شاید تنها یک آغوش مهربان می‌تواند اندکی این پریشانی را چاره کند و امنیتی را برای پدر به ارمغان آورد. پدر اکنون همانند دوران نوزادی و کودکی خود، محتاج آغوش مهربان فرزندان خود است.

زیر آسمان جهان

قاجاق دارودر کشور ۷۲ ملت

دولت مرکزی هند به رهبری نخست‌وزیر نارندرا مودی، به‌دلیل آمادگی‌نداشتن و اجازه برگزاری اجتماعات مذهبی، مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. خود او پیش از انتخابات ایالتی در راهیمیایی‌های پرتجمع سخنرانی کرده بود. برخی از مردم هند دست‌کم از ۱۰۹ شماره مختلف با او تماس بگیرم، اما کوشی تلفن را برنداشت. پس از اینکه برای او عکسی فرستادم که نشان می‌داد پول به حسابش واریز شده است، دیگر پاسخ پیام‌های من را نداد. این حادثه در هند استثنائی نیست، کشوری که اینک گرفتار موج مهلک دوم کرونا شده و سیستم مراقبت‌های بهداشتی‌اش زیر بار آن از هم پاشیده است.

سلیقه

معنای رنگ در دانشگاه‌های هنر

تورج صابری‌وند

● «زرد رنگ کنجکاوی است»، «نارنجی رنگ مدرنیته است» و «آبی رنگ آگاهی و دانایی است» این جمله‌های واقعا عجیب و حقیقتا غریب جمله‌های مستندی از استادان گرافیک ایران هستند. این سه جمله البته سه مثال از بی‌نهایت جمله در همین ساختار هستند. گرافیست‌ها و استادان این رشته چه در دانشگاه‌ها و چه در سر کارهای واقعی دیزاین مکرر از این جمله‌ها استفاده می‌کنند، بدون آنکه اندکی دلیل داشته باشند. به‌راحتی در هر مناسبتی می‌توانند بگویند این رنگ، مفهوم فلان مفهوم انتزاعی است. نه دلیلی در میان است و نه تجربه‌ای و نه هیچ بنیه استدلالی و اثباتی‌ای. چنان هستند این جمله‌ها و این ادعا که حتی نمی‌توان رد کرد.

یک دیزاینر شناخته‌شده در جایی گفته «آبی رنگ آگاهی و دانایی است»، استاد دیگری در جای دیگری گفته «زرد رنگ آگاهی است». هیچ کدام هم هیچ توضیحی درباره اینها ندارند و ناده‌اند. این حرف‌ها را به طرز حیرت‌آوری چنان ساده می‌گویند که گویی روشن‌ترین حقیقت روز است و با چنان اطمینانی می‌گویند که احتمالا دانش‌جویان هم ترجیح می‌دهند به جای اینکه به دیگری‌ات هم بگویند. به همین شیوه تمام جامعه گرافیک پر شده است از همین حرف‌های من‌دراوردی.

گاهی هم اگر سوآلی ازشان شده باشد، می‌گویند که ناخودآگاه معنای رنگ‌ها را می‌شناسند. این حرف را مستند گفته‌اند، اما نگفته‌اند از کجا متوجه شده‌اند ناخودآگاه انسان‌ها وقتی رنگ زرد می‌بیند کنجکاوتر می‌شود. چنان قاطع می‌گویند که گویی ناخودآگاه همه انسان‌ها یکسان است و تجربه‌های اجتماعی و فردی هیچ تأثیری ندارد. آنها که دلیل نمی‌آورند اما می‌توان دلیل آورد که چرا این حرف‌ها بی‌پایه است.

اطلاعات عمومی درباره نشانه‌شناسی کافی است تا بدانیم یک «چیز» به تنهایی هیچ معنایی ندارد. چیزها در هم‌نشینی با هم معناوار می‌شوند آنها تغییر می‌کند. یعنی رنگ قرمز اگر در کارت داور فوتبال باشد یعنی اخراج. اگر همان رنگ در لباس بازیکنی در ایران باشد یعنی فلان تیم فوتبال و اگر در لباس بازیکنی در انگلیس باشد یعنی تیمی دیگر. پس رنگ‌ها به تنهایی هیچ معنا ماهوی‌ای ندارند، بلکه بر اساس قراردادهای و دلایلی معین چیزها معنا می‌یابند. وقتی کسی می‌گویند آبی رنگ آرامش است، باید پرسید آیا در نشان فلان شرکت تجاری و فلان خودرو و فلان تیم فوتبال هم معنای آرامش یا تداعی آرامش دارد؟ آنها طوری درباره رنگ‌ها بحث می‌کنند که گویی رنگ موجودیتی مستقل دارد. ما رنگ را هرگز به تنهایی نمی‌توانیم ببینیم، ما رنگ‌ها را در موقعیت‌های متفاوت، در اندازه‌های مختلف و در متریال‌ها و شکل‌های مختلف می‌بینیم. حتی از این هم پیچیده‌تر است. رنگ سبز چمن وقتی در دشت وسیعی می‌روید یک ویژگی دارد و وقتی آن را در زمین بازی فوتبال، وقتی از تلویزیون تماشا می‌کنید ویژگی دیگری دارد. عجباً از دانشگاه و دیزاینسری که به طور عام بگوید سبز فلان معنا و مفهوم را می‌رساند. یک شی‌خوی تعام‌یار با مخاطب است.

در حالی که دانشگاه‌های هنر سال‌هاست چنین حرف‌های بی‌پایه‌ای را به خورد دانشجویان بی‌پرسش می‌دهند. از آنجا هم که حتی کتابچه و راهنمایی که همه‌شان در آن اتفاق نظر داشته باشند وجود ندارد، هر کس هر جا لازم می‌شود سریع اعلام می‌کند فلان رنگ، رنگ فلان است و رنگ آن است. دانشجویان هم به مرور ییاد می‌گیرند که هر مفهومی را به هر رنگی می‌توان نسبت داد. فرق‌شان با استادان‌شان این است که شاعرانگی کمتری دارند. پس، دانشگاه شده است منبع خرافه‌پردازی و خرافه‌آموزی. باورنکردنی است که در قرن بیست‌ویکم زمانی در جایی به اسم «دانشگاه» چنین حرف‌های من‌دراوردی گفته شود. معلوم هم نیست که این وضعیت تا کی ادامه خواهد داشت؟ اما معلوم است تا زمانی که چنین وضعی حاکم باشد، دانشگاه یک نهاد خرافه‌پرور است. این خرافه‌پردازی‌ها ریشه در نوشته‌های این و کاندینسکی دارد. آنها هنرمندانی نقاش بودند که یک قرن پیش با نهایت شاعرانگی سراخ رنگ‌ها و شکل‌ها رفته و در باهاوس همین حرف‌ها را با شاعرانگی بیشتری می‌گفتند. آنها هم همان اندازه بی‌استدلال بودند که دیزاینرها و بعضی استادان امروز. کاندینسکی در کتاب درس‌هایش نوشته: «سفید: دیوار بی‌پایان و سیاه سوراخ بدون ته است». همین تقسیم‌بندی رنگ‌ها توسط ایتن، دیگر استاد باهاوس، به رنگ‌های سرد و گرم در قالب همین شاعرانگی است. سردی و گرمی را

حس لامسه دریافت می‌کند نه حس بینایی موهولسی ناگی‌ا این سال‌ها به ایتن نقد تندی می‌کند و ایتن در پاسخ می‌گوید «آن که لباس سفید می‌پوشد روح تاریکی دارد». به‌زودی ایتن به خواهش گروپیوس مدیر باهاوس، مجبور به استعفا می‌شود و از مدرسه می‌رود. کاش گروپیوسی هم در ایران داشتیم که از این‌گرایان می‌خواست از رشته‌های دیزاین بیرون بروند.